

بررسی و فهم دلالت‌های قرآنی بر مطلوبیت ایجاد تمدن دینی

مقاله پژوهشی

10.22034/JKSL.2023.349665.1126

مهدی خوشدونی*



دریافت: ۱۴۰۱/۴/۸

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۷

چکیده

تمدن بهترین نمود حیات اجتماعی مطلوب بشری است. در این میان ساخت یک تمدن بر اساس ایدئولوژی دین محور و توحید گرا، خواسته فکری و برنامه عملی تمدن خواهان اسلامی است. پاسخ قرآن به مطلوبیت تمدن دینی و لزوم برپایی آن، نقش حیاتی‌ای در استحکام بنیادهای عقیدتی نظریه تمدن دین محور دارد. بنابراین مساله فهم رویکردهای تمدنی قرآن کریم بر ایجاد یک تمدن توحید محور است پژوهش حاضر باهدف فهم دلالت‌های قرآن کریم بر صحه‌گذاری بایستگی ایجاد تمدنی دینی، با سه گزاره زمانی گذشته، حال و آینده در نگاه قرآن- شکل گرفته است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی اقدام به بررسی و فهم دلایل قرآنی مطلوبیت تمدن توحیدی نموده است. پاسخ این پرسش از قرآن، در توجه به وضعیت پیشینی و گذشته، بیانگر حالت پشتوانه‌ای بوده و در وضعیت حال، تشویق به پیشرفت به‌سوی وضعیت تمدنی و در نگاه به وضعیت پسینی و آینده‌نگر، ترسیم افق تمدنی فراگیر و بی‌همتا را رخ می‌نماید. به عبارت واضح‌تر پاسخ قرآن به تمدن پژوهان عصر حاضر؛ نخست آنکه در نگاه به پشت سر، ارائه داده‌های است که می‌تواند یک پشتوانه تجربی از شکل‌گیری تمدن‌های توحیدی باشد و دوم در بستر فعلی اجتماع آنکه پیوسته جامعه اسلامی را تشویق به ارتقاء به گزاره‌ها و مؤلفه‌های تمدن ساز می‌نماید و سوم در حالت پیش رو، آینده‌ای تمدنی را برای مسلمانان در سرتاسر دنیا ترسیم می‌کند و آنان را به دستیابی به این آرمان و نوید بزرگ، امیدوار و مصمم می‌سازد.

کلید واژگان: قرآن کریم، تمدن، تمدن‌های توحیدی پیشین، گزاره‌های تمدن ساز، آینده تمدنی.

مقدمه و بیان مسئله

حیات تمدنی برای بشریت مطلوب و آرمان پیوسته انسانی است، در میان نظریه‌های متعدد تمدن ساز، ایجاد تمدن مدرن و پیشرفته بر پایه تفکر دین پایه و توحید محور به‌ویژه در میان تمدن‌گرایان مسلمان طرفدارانی دارد و از آنجا که هر تمدنی مبتنی بر یک سری زیرساخت‌ها و شالوده‌های فکری عقیدتی می‌باشد فهم زیرساخت‌ها و پیشینه‌های فکری، فرهنگی و عقیدتی هر جامعه‌ای که زمینه‌ساز پیدایش تمدن در بین آنان می‌باشد مهم و ضروری است. از طرفی قرآن کریم به‌عنوان کتاب آسمانی مسلمانان و محور فکری، فرهنگی و عقیدتی دینی آنان بی‌شک می‌بایست در شکل‌دهی الگوی تمدنی دارای نقش و کُنش باشد.

بنابراین مسئله پژوهش حاضر فهم و بررسی رویکردها و دلالت‌های تمدنی موجود در قرآن کریم به‌عنوان محور و مآخذ فکری نظریه تمدن نوین اسلامی در بستر فرایند محور زمانی (گذشته، حال، آینده) است بدین نحو که دریابد قرآن کریم در وضعیت گذشته‌ها چه دلالت‌هایی در تقویت تشکیل جامعه تمدنی توحیدی داراست برای هم‌اکنون جامعه اسلامی چه نسخه‌های تمدنی ارائه می‌دهد و دیگر آنکه برای آینده چنین اجتماعی چه برنامه و افق آینده‌نگرانه‌ای دارد که بتوان از آن به‌عنوان یک آرمان بزرگ یادکرد که به‌نوعی می‌تواند مبانی دینی تمدن نوین اسلامی را شکل دهد.

با این لحاظ افزایش فهم و دانش در حوزه تمدنی قرآن کریم ضرورت ویژه‌ای می‌باید. البته پیرامون دو محور «قرآن» و «تمدن» کارهای علمی صورت گرفته است که از جمله مهم‌ترین و نزدیک‌ترین کارها به مسئله یادشده می‌توان از مواردی چون: «شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم»، (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳) هم‌چنین «قرآن زیرساخت تمدن اسلامی» (فامیل روحانی، ۱۳۹۴) «کارکرد تمدنی قرآن؛ یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی» (محسن الویری، ۱۳۹۴) و «مؤلفه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم» (فاکر میبیدی، ۱۳۹۳) یادکرد. که هر یک از پژوهش‌هایی پیشین به یک حوزه از بحث رابطه تمدن و قرآن کریم روی آورده‌اند. اما در هیچ یک از کارهای انجام‌شده به‌طور جامع و کامل به نشانه‌ها و دلایل تمدنی قرآن کریم با سه رویکرد گذشته و پیشینی، وضعیت کنونی و مؤلفه‌های تمدن ساز و آینده‌نگرانه (پسینی) به این قضیه پرداخته



نشده و با این نگاه و رویکرد توجه به مبانی و دلالت‌های تمدنی قرآن کریم در بحث تمدن نوین اسلامی پرداخته نشده است. بنابراین هدف پژوهش پیش رو کشف و استنباط مبانی دینی و دلالت‌های قرآنی تمدن نوین اسلامی در حالت‌های گذشته، حال و آینده است. که منجر به شناخت بهتر و دقیق‌تر ظرفیت دین اسلام در تمدن و تمدن سازی خواهد شد.

در این جستار با روش توصیفی تحلیلی و کیفی به بررسی آیات قرآن کریم در این موضوع پرداخته شده است. نکته لازم به ذکر آنکه؛ بی‌گمان، قرآن همه مفاهیم، عناوین و مسائل نوپدید حیات آدمی را که به تدریج در فرایند طولانی زندگی زمینی‌اش زاده و مقوله‌بندی می‌شود، با همان نام و عنوان بیان نکرده و این انتظار نیز از این کتاب جاودانی نارواست. بر این اساس باید در پی استخراج و استنتاج رویکرد قرآن کریم در این گونه مباحث بود. (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳: ۶۶)

چارچوب مفهومی

پیش فرض بحث آن است که دین و آموزه‌های دینی و گزاره‌های آن در پی‌ریزی، شکل‌گیری و جهت‌دهی یک تمدن اثرگذار است از این‌رو دنبال چهارچوبی می‌باشیم که بتوان امکان فهم دلالت‌های قرآنی در این باره کشف نمود در بحث قرآن کریم نیز وقتی از این اثرگذاری بحث می‌شود یک تجربه پیشینی وجود دارد و آن تجربه شکل‌گیری تمدن اسلامی در قرن‌های گذشته مسلمانان است و یک نگاه به آینده وجود دارد که می‌تواند مبنای امید صادق و نویدبخش شکل‌گیری تمدنی بس‌والا تر و عظیم باشد. از این‌رو می‌توان از گزاره‌های قرآن کریم آرمان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را جست. بنابراین در توجه به مباحث بنیادی تمدن در قرآن کریم می‌توان از چند وجه بدان توجه نمود. گروه اول نمونه‌های از نشانه‌های تمدن دینی را در قرآن کریم می‌توان در مصادیقی از خرده تمدن‌های که در برهه‌های از تاریخ بشری اتفاق افتاده و قرآن کریم آن‌ها را به‌عنوان یک نمونه موفق و الگو هرچند کوچک‌تر و محدودتر اما اتفاق افتاده نشان داده و از آن‌ها به نیکویی یاد کرده یافت. بی‌شک هدف قرآن کریم از ذکر چنین خرده تمدن‌ها، شدنی بودن آن‌ها در برهه مهم تاریخ است. چراکه این مصادیق تمدنی که در قرآن ذکر شده تحقق و مدیریت آن به دست اشخاصی است که با کالبد توحیدی جامعه عصر خود را اداره کرده و یک جامعه محدود اما مطلوب توحیدی را برای

بشر در برهه‌ای از تاریخ و در جغرافیایی خاص، شکل داده‌اند. این‌ها دلالت‌هایی هستند که از تجربه پسینی تمدن دینی حکایت دارند.

گروه دوم، گزاره‌هایی هستند که بر اهمیت مؤلفه‌ها و ارکان‌های مهم تمدنی توجه دارند و به‌گونه‌ای قالب و شاکله تمدنی به زندگی اجتماعی مسلمانان می‌بخشند این آیات سوگیری و حرکت مسلمانان را در جهت حرکت به‌سوی یک زندگی متمدنانه شکل می‌دهند. آیاتی که بر مهم‌ترین مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مظاهر یک تمدن تأکید می‌کنند یعنی آن‌که سوگیری و جهت‌دهی این کتاب آسمانی به سمت ایجاد یک تمدن است. که به‌نوعی انگیزش بخش وضعیت فعلی مسلمانان به سمت یک جامعه متمدن هستند. گروه سوم، گزاره‌های از آیات قرآن کریم هستند که نشان از آرمان بزرگ اسلام یعنی ایجاد تمدنی بزرگ و فراگیر همراه با مظاهر مادی و معنوی می‌دهند. این گزاره‌هایی انشایی یا ایجابی بزرگ‌ترین آیات نویدبخش شکل‌گیری تمدن جهانی در آخرالزمان می‌باشند. قرآن کریم در مواضع متعدد به ترسیم جامعه آرمانی خود که بیانگر یک تمدن تمام عیار در حد متعالی آن است توجه دارد و ضمن نویدبخشی به تشکیل آن و بیان اینکه اساساً اهداف و آرمان تمام انبیاء رسیدن به چنین جامعه آرمانی است. جامعه ایمانی را به جهت حرکت به سمت چنین آرمان حتمی محقق‌شدنی ترغیب می‌نماید. هرچند نمی‌توان واژه مصطلح امروزی را درباره جامعه مطلوب اسلامی که وسعت فراگیری آن در سطح تمام جامعه بشری است با عنوان تمدن را از قرآن یافت نمود اما تصویری که قرآن کریم از آرمان‌شهر خود ارائه می‌دهد تصویری است که والاترین تمدن بشری را برای انسان‌ها در برهه از تاریخ امید می‌دهد.

نکته مهم دیگر در این بحث آنکه؛ چنانچه آموزه‌های وحیانی قرآنی کریم جاودانه است آموزه‌های تمدنی آن نیز جاودانه و همیشگی و مستمر می‌باشد. از این رو می‌توان امروزه نیز این آموزه‌ها را متناسب با نیاز نو البته با باز خوانی و باز فهمی آن به کار بست. و چنانچه این آموزه‌های درگذشته‌های پیشین مسلمانان، تحول‌آفرین و تمدن ساز بوده‌اند امروزه نیز این‌ها می‌توانند در خدمت بشر قرار گرفته و با درک درست آنان و عمل به آن آموزه‌ها زمینه حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را فراهم ساخت.

از این رو در بحث دلایل قرآنی تمدن نوین اسلامی می‌توان گفت که گزاره‌هایی بنیادی تمدن اسلام در قرآن کریم وجود دارد. چراکه از یک طرف تجربه پیشینی تمدن اسلامی مؤید این معنا بوده و از طرفی گزاره‌های تمدنی نیز در قرآن وجود دارد.



در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در استخراج این دلایل و آثار تمدنی از قرآن با سه وضعیت زمانی می‌توان این مفاهیم را به دست آورد:

نخست وضعیت گذشته: نمونه‌ها عینی و مصادیق تاریخی از شکل‌گیری تمدن‌های توحیدی در برهه‌ای از تاریخ و محدود در مکان و زمان خاص

دوم وضعیت حال: استخراج گزاره‌های از مؤلفه‌های شاخص‌های مهم تمدنی از قرآن که جامعه اسلامی و مسلمانان را ترغیب می‌کند تا آن‌ها کسب نمایند. از این رو حرکت و جهت قرآن به جامعه اسلامی به دست آوردن شاکله‌ها و چارچوب‌های لازم و ضروری شکل‌گیری زندگی متمدنانه و جامعه تمدنی است.

سوم وضعیت آینده: آیات نویدبخش تمدنی فراگیر و توحیدی در برهه‌ای از تاریخ. بنابراین با این چارچوب مفهومی به دنبال استنتاج دلالت‌های قرآنی در ادامه خواهیم بود.

مفهوم تمدن و تمدن دینی (اسلامی)

تعریف‌های متعددی و مختلفی از تمدن شده است که در کارهای علمی پیشین بیان شده و مجال ذکر دوباره آن نمی‌باشد، آنچه اهمیت دارد دستیابی یک مفهوم جامع در این باره است. شاید بتوان تعریفی که در ادامه می‌آید بتوان به‌عنوان چنین تعریفی تلقی نمود:

«تمدن حیات اجتماعی است که بر پایه یک فرهنگ و روح مشترک در یک جغرافیای وسیع به صورت چند فرهنگی در یک عصر معین تحقق می‌یابد.» (جهان بین، ۱۳۹۸؛ ص ۲۸)

امروزه مقصود از تمدن اسلامی برپایی تمدن آرمانی مبتنی بر دین اسلام است؛ تمدنی که همه مبانی، اصول و شاخص‌های آن بر محور دین اسلام باشد. به تعبیر بهتر، تمدن اسلامی آن وجه عینیت یافته تعالیم اسلامی با همه ابعادش در جامعه است (جهان بین، ۱۳۹۸: ۴۱) که توأم از دو جنبه مادی و معنوی برخوردار است. بر اساس تعاریف پیش‌گفته، می‌توان تمدن اسلامی را موسعترین ظرف و بستر تحقق دین اسلام در جامعه دانست.

پس تمدن دینی در واقع موسع‌ترین ظرف تحقق دین در والاترین وضعیت خودش است. به عبارتی مطلوب‌ترین و آرمانی‌ترین وضعیت تحقق دین با همه ابعاد مادی و معنوی‌اش برای سعادت دنیای و اخروی بشر می‌باشد.

۱- دلالت‌های قرآنی مطلوبیت تمدن دینی

دلالت‌های تمدنی قرآن کریم در بستر گزاره‌های زمانی عبارت‌اند از:

۱-۱ استنطاق وضعیت پیشین از منظر قرآن کریم (تجربه پیشینی تمدن دینی)

پرسشی که در اینجا باید مطرح نمود این است که آیا می‌توان نمونه‌هایی از تمدن الهی و دینی در قرآن کریم یافت؟ یا انعکاسی از یک تمدن مقبول الهی برای مخاطبان قرآن، در این کتاب وجود دارد؟

می‌توان با بررسی قصص قرآن و نمونه‌هایی از حکومت‌های توحیدی، نمونه‌هایی از تمدن الهی را در قرآن کریم یافت و میزان مشابَهت و الگودهی آن‌ها در برپایی تمدن نوین اسلامی را مقایسه نمود، بنابراین این ویژگی‌ها را به جهت همسانی‌ها و شباهت‌ها بین تمدن‌های توحیدی قبل می‌توان استخراج کرد. واقعیت این است که در قصص قرآن شباهت‌های بسیاری بین تمدن آخرالزمان و این حکومت‌ها و تمدن‌هایی که ذکر شده وجود دارد، قرآن کریم می‌فرماید: سرگذشت پیشینیان را مثال و نمونه‌ای برای آیندگان برشمرده است (ابراهیم: ۴۵؛ نور: ۳۴): «فَجَعَلْنَاهُمْ سُلَافًا وَ مَثَلًا لِّلْآخِرِينَ» (زخرف: ۵۶) و آنان را پیشینه و مثلی برای آیندگان کردیم.

نمونه‌هایی از این حکومت‌های توحیدی در قرآن عبارت‌اند از:

۱-۱-۱. ذوالقرنین نماد تمدن توحیدی

ذوالقرنین پادشاهی است که در قرآن کریم به‌ویژه در سوره کهف - درباره او، سفرها و کارهایش مطالبی گزارش شده است. اینکه او نبی الهی بوده یا نه؟ مقوله‌ای نیست که در این پژوهش بگنجد اما مسلم این است که ایشان یکی از اولیا و صالحان است که بسان انبیاء مورد توجه و عنایت خداوند بوده و حکومت او به نصرت الهی تأیید شده است. چنانکه خداوند درباره حکومت وی می‌فرماید:

«إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ آتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا» (کهف: ۸۴)

ما به او در زمین، قدرت و تمکن دادیم و از هر چیزی [که برای رسیدن به هدف‌هایش نیازمند به آن بود] وسیله‌ای به او عطا کردیم.

«تمکن در زمین» به معنای قدرت تصرف در زمین، تصرفی مالکانه و دلخواه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۴۹۸) ذوالقرنین به اینکه امکانات و قدرت وی از سوی خداوند بوده معترف است. (کهف: ۹۵)؛ واقعیت این است که حکومت ذوالقرنین، تحت نظارت مستقیم



خداوند بوده است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۴: ۳۰۵) و برخی از آیات نیز بدان اشاره دارند. (کهِف: ۹۱)

او توانست به شرق و غرب عالم رفته و با عدالت و دادگستری به آبادانی و رفاه مردم آن منطقه کمک کند. حمایت او از محرومان در ایام حکومتش بدون هیچ اجر و مزدی تنها به پشوانه قدرت و مکننت خداوند نشان از روش پیامبر گونه اوست. (کهِف: ۸۳-۹۹) هرچند روایات بطور قطعی در تعیین او به عنوان یک از انبیای الهی نگاه اثباتی ندارند، ولی بر اینکه وی از سوی خداوند برانگیخته شده و مأمور الهی است اتفاق نظر وجود دارد. (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۶۵۹-۶۶۰) آنچه مشخص است ذوالقرنین، دارای حکومتی دینی، مقتدر و بهره‌مند از امکانات مادی است و رویه حکومت او، باهدف ظلم‌ستیزی و کفر‌ستیزی است. (کهِف ۸۳-۹۹) و به‌طور کلی حکومت او در جهت ترویج توحید است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۴: ۳۰۵) او با توجه به این همه امکانات مادی و معنوی و اختیارات ویژه‌ای که خداوند به او عطا کرده بود (کهِف: ۸۶-۸۸) توانست تمدنی عظیم و توحیدی را شکل دهد. تمدنی که با شهرسازی و ساختمان‌سازی، صنعت دوخت لباس (کهِف: ۹۰) و از همه مهم‌تر ساخت سد عظیم با استفاده از ذوب فلزات و ساخت آلیاژ (کهِف: ۹۶) به اوج خدمات و ایجاد امکانات برای تمام مردم آن عصر دست‌یافت. سدی که نقطه آغاز و پایان آن در تاریخ ماندگار است، نقطه آغاز آن یاری رساندن مظلوم است و کمک به بشریت آن روز با استفاده از پیشرفته‌ترین روش و نقطه پایان آن، نقطه عطفی در تاریخ بشر بر روی زمین است به طوری که شکستن این سد و هجوم یاجوج و مأجوج نیز از نشانه‌های ظهور امام و علامت آغاز رجعت‌هاست و نزدیکی برپایی قیامت است (انبیاء: ۹۵ - ۹۷؛ کهِف: ۹۸).

شاخص‌ها حکومت توحیدی ذوالقرنین و مشابهت آن با مباحث تمدنی

۱. حکومت توحیدی؛

۲. امکانات و قدرت پر شمار؛

۳. عدالت محوری؛

۴. ظلم‌ستیزی؛

۵. گستردگی قلمرو حکومت؛

۶. شکل‌دهی یک تمدن بزرگ و فراگیر در زمان خود.

۱-۲. مکننت یوسف در زمین نمونه‌ای از حکومت مردان خدا

یکی از پیامبران که به اراده الهی بهره‌ای از قدرت و حکومت به ایشان عطا و بر روی

زمین صاحب مکنّت شد حضرت یوسف علیه السلام از نوادگان حضرت ابراهیم علیه السلام است، کسی که توانست جامعه‌ای را از نابودی و انحطاط به توحید رهنمون سازد و تمدنی را شکل دهد که نمونه‌ای از حکومت صالحان و اولیا و انبیای الهی بر روی زمین است. خداوند درباره ایشان می‌فرماید:

«وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۵۶) و این‌گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت و منزلت دادیم. که در آن هرکجا که می‌خواست مقام می‌گرفت، ما رحمت خویش را به هر که بخواهیم می‌رسانیم، و پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کنیم.

در سوره یوسف خداوند چگونگی شکوفایی تمدن مصر باستان به دست یک نبی الهی در عصر یوسف علیه السلام را به تصویر می‌کشد و این تمدن جز با برخورداری یوسف علیه‌السلام، از نعمت سلطنت و حکومت اعطایی خداوند به ایشان شکل نگرفت.

«رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ» (یوسف: ۱۰۱) پروردگارا، تو مرا بهره‌ای از ملک و حکومت دادی.

شاخص‌ها تمکن یوسف بر روی زمین و مشابهت آن با مباحث تمدنی

۱. زمینه‌سازی و برپایی یک حکومت توحیدی

۲. مکنّت و قدرت یافتن بر روی زمین

۳. بسترسازی، شکوفایی و ایجاد یک تمدن الهی

۱-۱-۳. حکومت داود نبی علیه السلام شمه‌ای از شکل‌گیری حکومت تمدنی

حضرت داود از جمله انبیا الهی است که خداوند به ایشان مکنّت، حکومت و قدرت داد و توانست بر بسیاری از دشمنان خدا فایق آمده و حکومتی مقتدر را بنا سازد. ایشان مشمول مواهب بسیاری چه در جنبه معنوی و چه در جنبه مادی از سوی پروردگار شده بود که آیات قرآن گویای آن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰؛ ج ۱۸، ص ۲۸)

«وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا» (سبا ۱۰) و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم.

خداوند در وصف داود می‌فرماید:

و اذکر عبدنا داود ذا الاید اینه اؤاب (ص: ۱۷).... وشددنا ملکه وءاتینه الحکمة و فصل الخطاب (ص: ۲۰) بنده ما داود را که دارای قدرت و نیرو بود (قدرت علمی و جسمی و سلطنتی) به یاد آر، زیرا او بسیار بازگشت‌کننده (به‌سوی ما) بود.... و سلطنت او را (به زیادی عده و عده) تقویت نمودیم و او را حکمت (دانش‌های عقلی و اجتماعی و شرابیع



دینی) و سخنانی فیصله‌دهنده (میان حق و باطل) عطا کردیم.

در این آیه خداوند به چهار نعمت ویژه که به ایشان عطا شده اشاره دارد:

نعمت‌های چهارگانه یادشده عبارت‌اند از:

۱. ذا الأید: نعمت قدرت و توانمندی (بحرانی، ۱۳۷۴، ج: ۴، ۶۴۵) در علم، حکومت و جنگ‌آوری.

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱۷، ۲۸۸)

۲. شددنا ملکه: حکومتش را قوی گردانیدیم و به عبارتی همه وسائل محکم شدن

سلطنت را برایش فراهم کرده بودیم. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱۷، ۲۹۰)

۳. وءاتینہ الحکمة: اعطای حکمت و دانش

۴. فصل الخطاب: فهم و علم به قضا و حکومت می‌باشد. (. طبرسی، ۱۳۷۲ الف، ج: ۲۱، ۸۳)

در جای دیگر می‌فرماید: «وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ... وَ الطَّيْرَ» (انبیاء: ۷۹) ما کوه‌ها و

پرندگان را نیز در تسخیر حضرت داود ﷺ قرار دادیم.

و در نهایت خداوند نعمت را بر او اتمام نموده و می‌فرماید: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً

فِي الْأَرْضِ» خداوند حضرت داود را در زمین خلیفه و جانشین خویش قرار می‌دهد که به

معنای خلافت بخشیدن به داود علیه‌السلام در زمین، از سوی خداست تا اینکه «فَأَخَّكُم

بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶) در میان مردم به حق داوری نما.

از مجموع آنچه در بررسی آیات حضرت داود ﷺ به دست می‌آید این است که:

اعطای قدرت و حکومت مقتدر در روی زمین است به طوری که کوه‌ها و جمعیت

پرندگان (ص: ۱۸-۱۹) نیز زیر سلطه ایشان است تا جایی که می‌فرماید: ما طیر را هم

تسخیر کردیم با داوود، که بی‌اختیار و به اجبار دور او جمع می‌شدند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱۷، ص: ۲۸۹)

افزون بر آن مقام خلافت الهی است پس از این انتخاب و تشکیل حکومت

مقتدر الهی، خداوند به آن حضرت اجازه می‌دهد بدون بینه به داوری و قضاوت بین

مردم بپردازد.

در آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره ص نیز به وجود تمدن و حکومت در دوران داود نبی ﷺ که خلیفه

خداوند بر روی زمین است، اشاره گردیده؛ تمدن کوچکی که قرار است مقدمه تشکیل

تمدن بزرگ‌تری در زمان سلیمان نبی گردد. از این رو حضرت داوود به اذن الهی یک

حکومت مقتدر دینی و توحیدی تشکیل دادند که دارای رویکردی تمدن‌گرا و قدرتمند بود.

شاخص‌های تمدنی حکومت حضرت داوود

۱. حکومت توحیدی

۲. قدرت فراگیر و تشکیل یک تمدن الهی (ص: ۱۷: ت- ۱۹)

۳. توانمندی‌های اعجاب انگیز در حکومت (سبأ: ۱۱-۱۰)

۴. امکانات فراوان. «أوتینا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» (نمل: ۱۶)

۵. عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی

۱-۴. حکومت سلیمان نبی ﷺ، تبلوری بی‌همتا از تمدن الهی

حضرت سلیمان از انبیای برجسته است که خداوند نیروهای عظیم و امکانات بسیار در اختیار او قرار داده بود، تا آنجا که رعد و برق و جن و انس و همه پرندگان و چرندگان و حیوانات دیگر تحت فرمان او بودند؛ او زبان همه آن‌ها را می‌دانست. و بر سراسر زمین فرمانروایی می‌نمود. حضرت سلیمان از خداوند حکومت بی‌نظیر را طلب نمود و این درخواست مورد اجابت قرار گرفت. (ص ۳۵) و تا زمان حضرت مهدی (عج) که عصر تمدن آخرالزمان است نظیر آن تشکیل نخواهد شد. چنانکه تعبیر قرآن از این حکومت با عنوان «مُلک سلیمان» (بقره: ۱۰۲) گویای شوکت آن است. با بررسی و تحلیل مُلک سلیمان به شباهت‌های بسیار نزدیک میان تمدن سلیمان با تمدن عصر ظهور برمی‌خوریم که نشان‌دهنده این حقیقت است که حکومت و قدرت هیچ یک از انبیای الهی به اندازه ملک و حکومت سلیمان نبی ﷺ به تمدن عصر ظهور زمان حضرت مهدی (عج) شباهت ندارد. این حقیقتی است که می‌توان از درخواست حضرت سلیمان از خدا درباره اعطای حکومت بینظیر دریافت (ص: ۳۵) این خود اهمیت بررسی دقیق‌تر این حکومت را نمایان می‌سازد؛ حکومتی که با تاییدات و تعلیم الهی تبلوری بی‌نظیر از الهی است. از این رو فحش بیشتر در ملک سلیمان می‌تواند نشانه‌های از تمدن توحیدی را به دست آورد.

ویژگی‌های مهم این دولت عبارت‌اند از:

الف) خلافت الهی بر روی زمین

همچنان که خداوند به داود می‌گوید: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ص: ۲۶) در جای دیگر می‌فرماید: «وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ» (نمل: ۱۶) و از این رو وی خلافت الهی بر روی زمین رابه امر خداوند از پدرش به ارث برد. بنابراین حکومت و تمدن ایشان توحیدی و الهی است. و شاخص‌ها آن در قرآن نمایانگر یک تمدن شاخص مطرح در قرآن است.

ب) حکومتی بی‌نظیر و گستردگی قلمرو

حکومت حضرت سلیمان‌چنان گسترده و سراسری بود که مطابق نقل از جمله کسانی

که بر دنیای آن روز سلطه و حکومت داشته است:



از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: «چهار نفر بر سراسر زمین فرمانروایی کردند که دو تن از مؤمنان بودند و دو نفر از کافران. مؤمنان عبارت بودند از سلیمان و ذو القرنین علیهما السلام - و کافران عبارت بودند از بخت النصر و نمرود. (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ۲۵۵) از آنچه گفته شد و همچنین آیه: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَوْحُها شَهْرٌ» (سبا: ۱۲) یعنی ما برای سلیمان باد را در شعاع يك ماه راهی که انسانها طی می کنند مسخر کردیم، به طوری که مسیر «غدو» یعنی از اول روز تا ظهر آن يك ماه باشد، و مسیر «روح» یعنی از ظهر تا به عصرش نیز يك ماه باشد، و در نتیجه از صبح تا به غروب دو ماه مسافت را طی کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۴۷) با همه آنچه گفته شد می توان دریافت که حکومت حضرت سلیمان از گستردگی و وسعت قلمرو برخوردار بوده است چنانکه نیاز داشت برای طی مسافت دو ماه، به امر الهی با تسخیر باد مسافت دوماه را در یک روز طی کند.

(پ) قدرتهای فوق العاده و شگفت انگیز

در این ملک وجود کارهای عجیب و بزرگ و نیز قدرتهای خارق العاده گویی پدیده های طبیعی به نظر می رسد، وجود افرادی برخوردار از نیروی خارق العاده، در میان درباریان سلیمان علیه السلام از آن جمله است؛ در سوره نمل از آزمون دشوار برگزار شده در میان سپاهیان حضرت سلیمان علیه السلام اعم از جن و انس سخن به میان آمده است، چنانکه قدرت نمایی برای جابه جایی یک تخت، بین جن و انس - که وصی نبی - است بر سر سرعت آوردن آن چنان نمود دارد و با آوردن آن تخت در کمتر از یک چشم به هم زدن در برابر از جای بلند شدن نمایان است. (نمل: ۴۰) حضور جنیان در خدمت این حکومت و تمدن و کمک در انجام کارهای گوناگون و بزرگ، از جمله شهرسازی، حضور در لشگریان و انجام کارهای مهم و فوق العاده از دیگر عجایب این قدرت است؛ جنیانی که هم قصرهای زیبا می سازند و هم غواصی می کنند (انبیاء: ۸۲؛ ص: ۳۷) همچنین در سوره سبأ (رک. سبا: ۱۲، ۱۳) با توجه به این آیات درباره خدماتی که اجته به حضرت سلیمان علیه السلام ارائه می دادند، دست کم پنج موضوع مطرح شده است:

۱. جریان چشمه های مس و به کارگیری اجته در این راستا؛

۲. ساخت محاریب: محرابها، برج ها و یا قصر

۳. ساخت تماثیل؛

۴. ساخت ظرفهایی همچون حوض؛

۵. ساخت دیگهای ثابت و بزرگ غیرقابل انتقال.

ت) قدرت و اقتدار

از مشخصه‌های بارز دیگر این ملک قدرت و اقتدار نامحدود و بی‌نظیر بود، که در جلوه‌های گوناگونی نمایان می‌شد؛ از جمله: لشگری انبوه از انواع صنوف (جن و انس، و پرنندگان و...) (نمل: ۱۷)، آمادگی نظامی فوق‌العاده (نمل: ۳۷)، تسخیر جنیان و تسلیم شدن قدرت‌های بزرگ (ص: ۳۸).

ث. ثروت انبوه

در ملک سلیمان آنچه مشهود و نمایان است انبوه از ثروت و مکنث بود، ثروت بی‌کرانی که در سایه آن رفاهی فراگیر در آن تمدن شکل‌گرفته، قصرها و کاخ‌های مجلل و باشکوه ساخته می‌شد که تماماً نمادی از قدرت الهی و حکومت خلیفه الله بر روی زمین به شمار می‌رفت. به طوری که وقتی ملکه سبأ برای جلوگیری از جنگ و حمله حضرت سلیمان به سرزمین اش پیش کش مالی قابل توجهی را برای ایشان می‌فرستند پیشنهاد کمک مالی به سلیمان علیه‌السلام، موجب ناخشنودی آن حضرت شده و در پاسخ اقدام وی می‌فرماید: «أَتُمَدُونِنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ». (نمل: ۳۶) شما خواهید که مرا به مال دنیا مدد کنید؟ آنچه خدا به من (از ملک و مال بی‌شمار) عطا فرموده بسیار بهتر از این مختصر هدیه شماست که به شما داده، بلکه شما مردم دنیا خود بدین هدایا شاد می‌شوید.

از سویی شیاطین که اساساً همان جنیان سرکش هستند در حکومت سلیمان ناگزیر از خدمت‌گزاری هستند، هر یک از آن‌ها که غواصی را می‌دانسته می‌بایست برای وی در دریاها غواصی کرده، و مروارید و سایر منافع دریایی را برایش استخراج کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۱۲) بنابراین غواصی شیاطین برای استخراج مروارید خود فزونی ثروت را برای این دولت به ارمغان داشت. و غیر از مروارید بسیاری دیگر از چیزهای گران‌بها و باارزش چون دُر و جواهر و... را برای ایشان به دست می‌آوردند و نقل است که اولین کسی که از دریا لولو و مرجان استخراج کرد حضرت سلیمان علیه السلام بود. (حقی، بی‌تا، ج ۸: ۳۷) این‌ها و عوامل بسیاری دیگر ثروتی عظیم را برای این ملک الهی به ارمغان آورده بود.

ج. شهرسازی و قصر سازی نمادی از تمدن دوره سلیمان

سلیمان علیه‌السلام دارای قصر و تشکیلاتی بس آباد و معمور و نیز کاخی زیبا و مزین به بلور و نقوش بلورین بود وی توانسته بود به عنایت الهی در شهرسازی، قصر سازی و



برج‌سازی نمونه‌ای بی‌نظیر در تمدن عصر خویش را به نمایش گذارد؛ نقل‌های افسانه‌ای از کاخ‌های سلیمان و یا معبد سلیمان خود گویایی این حقیقت است. همچنان‌که ساخته‌شدن قصر سلیمان علیه‌السلام از آبگینه‌های آب‌نما، نشان از تمدن عظیم در آن دوران دارد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶؛ ج ۱۶، ص ۳۰۶) در قرآن کریم هنگام بیان نمونه‌ای از این معماری و هنر بی‌نظیر داستان ورود ملکه سبا به کاخ بلورین و آبگون سلیمان را به تصویر می‌کشد که زن باهوش و با درایتی چون بلقیس نیز با دیدن آن دچار خطای دید شده و صحن این قصر را مملو از آب می‌پندارد در حالی که اگر آبی نیز وجود داشت با روکشی از بلور مزین شده بود و سطح آن از بلور شفاف بود؛

«قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ» (نمل: ۴۴) به او گفتند: به حیاط قصر درآی. هنگامی که آن را دید، پنداشت آبی فراوان [چون دریاچه] است، پس دامن جامه از دو ساق پایش بالا زد [که به خیال خود وارد آب شود]، سلیمان گفت: این محوطه‌ای است صاف و هموار از شیشه.

۲. رفاهی فراگیر و اختیارات فراوان

در این دوره از تمدن رفاه و آسایشی فراگیر در سایه حکومت نبی خدا و عنایت ویژه خداوند به ایشان، در جامعه شکل گرفته بود. «أوتینا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» (۱۶: نمل) از هر چیز به ما عطا گردیده این فضیلتی آشکار است. «نعمت‌هایی مانند: علم و نبوت و ملک و حکم، قدرت بر داوری صحیح- و سایر نعمت‌های مادی و معنوی. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۰۰) «فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَانِي» (نمل: ۳۶) می‌خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید)؟! آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است. و عمران و آبادانی در سرزمین تحت حکومت سلیمان علیه‌السلام چنان فراگیر است به طوری که خداوند به سلیمان می‌گوید: هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (ص: ۳۹): عطای ما حساب و اندازه ندارد که اگر تو از آن زیاد بذل و بخشش کنی، کم شود. پس هر چه می‌خواهی بذل و بخشش کن. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۱۲) نتیجه آنکه در دوران سلیمان تمدنی بزرگ و بی‌نظیر از ابعاد گوناگون ظهور یافت.

شاخص‌ها و ویژگی‌هایی تمدنی ملک سلیمان

۱. حکومت توحیدی؛

۲. ظلم‌ستیزی؛

۳. عدالت‌گستری و قسط محوری؛

۴. معماری و شهرسازی بی‌نظیر؛

۵. اقتدار و قدرت؛

۶. گستردگی و پهناوری قلمرو حکومت در سطح دنیا؛

۷. رفاه فراگیر و ثروت بی‌کران.

۳. استنطاق وضعیت حال (استخراج مؤلفه‌های تمدن ساز از قرآن کریم)

تمدن‌ها با مؤلفه‌ها کلان و به دنبال آن با شاخص‌های خود شناخته می‌شوند، وجود این سنجه‌ها است که توانایی سنجش عیار تمدنی یک جامعه را در عصر خویش فراهم می‌سازد. پس اگر مکتبی، جامعه را برای دستیابی به این شاخص‌ها تشویق نمود و از آن بالاتر راهکارهای دستیابی بدان‌ها را عرضه نمود بی‌شک آن مکتب تمدن‌گرا و تعالی خواه است، اکنون با این رویکرد باید دید تا چه حد برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌ها تمدن نوین اسلامی در آموزه‌های دینی قابل یافت می‌باشد. برخی از مهم‌ترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های تمدنی که در قرآن کریم و معارف اسلامی بدان توصیه شده یا در راه دستیابی بدان‌ها تشویق شده عبارت‌اند از:

۱-۳. قانون و نظم اجتماعی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدنی داشتن یک قانون و نظم اجتماعی است. جامعه متشکل از آحاد انسانی است که تمایلات فردی و منافع شخصی دارند. اما تدوین قوانین مبتنی بر واقعیات حیات اجتماعی و مصالح حقیقی انسان‌ها، تنها از عهدی کسی ساخته است که شناخت کاملی از انسان و ساختار وجودی او داشته باشد و از دیگر سو، هیچ‌گونه اغراض شخصی و سود پرستانه و تأثیر از عوامل بیرونی نداشته باشد. (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳: ۷۲) از این رو کسی می‌تواند وضع چنین قوانینی باشد که آگاه و مدبر بر حقیقت هستی بوده باشد و به بیانی دیگر نقش خالق را نسبت به جهان هستی داشته باشد. این چنین قوانینی از طریق ارسال پیامبران و دین به بشریت عرضه شده است و از طرفی دین اسلام به‌عنوان متأخرترین و توحیدی‌ترین دین در رابطه با اتصال با منبع ربوبی و غیب است. نکته دیگر آنکه آموزه‌های دین مبین اسلام بالاترین و کامل‌ترین دستورالعمل‌ها را در زمینه زندگی فردی و اجتماعی را داراست. و بیشتر آموزه‌های در همین غالب قابل تحلیل است. وجود این مبنا به صراحت در قرآن کریم ذکر شده و خداوند



متعال تشریح و قانون‌گذاری را به‌طور مطلق منحصر و مخصوص خویش می‌داند و در آیات متعددی از قرآن کریم آن را تذکر می‌دهد. (قصص: ۷۰-۸۸) و لذا وضع قوانین برای زندگی و نظم اجتماعی بین مردم را مخصوص خویش قرار داده است. (غافر: ۴۸؛ ممتحنه: ۱۰) و آن را در قالب شریعت توسط انبیاء خویش به بشریت در طول تاریخ آن عرضه کرده است. (شوری: ۱۳)

بنابراین این مؤلفه مهم تمدنی در آموزه‌های دینی اسلام با جزئیات در زندگی فردی و اجتماعی و ابعاد حکومتی و سیاسی و اداره جامعه وجود دارد.

۲-۳. مدیریت و رهبری (صالح)

افزون بر قانون، رهبری و مدیریت جامعه نیز نقشی اساسی و اثرگذار در آهنگ کلی حرکت و رشد و تعالی یا افول و انحطاط جامعه و به دنبال آن تمدن‌ها دارد. اسلام برای تعیین رهبر و مدیر جامعه اسلامی شاخص ارائه می‌دهد، از این رو می‌توان شاخص یک مدیر صالح و شایسته را در آموزه‌های دینی اسلام به‌ویژه در قرآن کریم یافت. از منظر اسلام حاکم مطلق و حقیقی خداوند متعال بوده که رب العالمین است و در طول و امتداد این حاکمیت، حکومت بر زمین مختص رهبرانی منصوب از جانب خداوند است که آن‌ها وظیفه هدایت مردم به سمت جامعه توحیدی را عهده‌دارند. قرآن به صراحت بر وجود چنین اصلی تصریح می‌نماید.

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

با این نحو معرفی می‌توان گفت که بهترین معرفی آن است که اوصاف و خصوصیات کسی گفته شود و مخاطبان، خودشان مصداق آن را پیدا کنند. (قرائتی، ۱۳۸۸ ج ۲: ۳۱۹) از منظر قرآن چنین رهبرانی با عنوان مدیر و پیشوا جامعه اسلامی مطرح شده که در تعبیر قرآن و دین از آن با عنوان «امام» یاد می‌شود و البته قرآن کریم همچنین ویژگی چنین امامی را مطرح می‌نماید. از منظر قرآن امام کسی است که ظلم نمی‌کند. (بقره: ۱۲۴) دارای ویژگی هدایت‌گری و صبر است. (سجده: ۲۴) لذا از منظر دین اسلام چنین رهبرانی شایسته حکمرانی جامعه هستند. نتیجه انتخاب چنین رهبرانی در جامعه این خواهد شد که اگر

اینان حکومت را به دست‌گیرند، اقامه گران احکام و قوانین الهی بر روی زمین خواهند بود. (حج: ۴۱)

بنابراین شایسته است گفته شود که در نگاه تمدنی به آموزه‌های اسلام، این دین نه‌تنها به بحث حکومت بی تفاوت و بی‌اهمیت نبوده بلکه ویژگی حکمرانانی که اسباب سعادت و تعالی زندگی بشر در دنیا و آخرت می‌شوند را مطرح کرده است. از این رو شاخص و ویژگی رهبر و مدیر جامعه که حکم پیشران حرکت تمدنی را دارد را با جزئیات و به وفور در منابع دینی قابل مشاهده و احصاء است.

۳-۳. اقتدار

سومین مؤلفه مهم و ضروری برای یک تمدن مسئله اقتدار با تمام ابعاد خویش است. از منظر فرهنگ قرآن، اقتدار ظاهری، بالندگی و برخورداری از تمکن مادی که مایه‌ی عزت و استقلال جامعه ایمانی است، از عناصر مهم و بنیادین در شکل‌گیری جامعه متمدن و مطلوب است. از آنجا که وابستگی در نیازهای مادی زندگی، زمینه‌ساز وابستگی فکری، فرهنگی و سیاسی جامعه به بیگانگان و موجب استیلای فکری و ارزش‌های فرهنگی آنان بر مسلمانان می‌شود، قرآن با صراحت تمام نسبت به این مسئله موضع‌گیری نموده است. در تعبیری اصل «عزت» را یک اصل راهبردی شمرده است و در بیانی دیگر اصل «نهی سلطه» را مطرح نموده است.

اقتدار خود دارای حوزه‌ها و ابعاد متعددی است که در ادامه به چهار حوزه مهم در مؤلفه اقتدار اشاره می‌گردد:

الف) اقتدار سیاسی

در اسلام منشأ تمامی قدرت‌ها خداوند است «إِنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره: ۱۶۵) بنابراین از منظر اسلام اقتدار سیاسی منشأ ربوبی دارد از این رو حاکم مشروع الهی دارای اقتدار سیاسی از جانب خداوند است. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقین: ۸)

با این تعبیر در ساختار سیاسی و حکومتی اسلام، اقتدار ویژه‌ای برای شخصی که در رأس هرم قدرت قرار می‌گیرد - با شرایطی که در قرآن و سنت آمده - قرار داده شده که تمام اجزا و ارکان حکومت اسلامی و آحاد جامعه ملزم به تبعیت و پیروی از ایشان می‌باشند و این تبعیت سیر طولی و نزولی داشته است چنانچه می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) از این رو این اتباع جنبه شرعی، قانونی، سیاسی و اجتماعی دارد. و از طرفی همه اجزا حکومت نیز نه‌تنها می‌بایست این اقتدار را



حفظ نمایند بلکه موظف به تولید روزافزون این اقتدار هستند.

از طرفی اسلام هم در زمینه سیاست داخلی و هم در بعد سیاست خارجی اصل عزتمندی را از نظر دور نمی‌سازد و در روابط با غیرمسلمانان قانون نفی سبیل را مطرح می‌کند. (نساء: ۱۴۱) این آیه گویایی اوج اقتدارگرایی در بین مسلمانان است. چراکه خداوند راه هرگونه تسلط پذیری مسلمان را نسبت به غیر آن‌ها را می‌بندد. و مسلمانان بر این حقیقت سوق می‌دهد که در نظام هستی این راه به نفع اهل ایمان بوده و کفار و غیرمسلمان هم از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد. و راه تسلط دنیای و اخروی - به شرط تحقق لوازم ایمان در بین مسلمانان - بروی آن‌ها بسته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۹۰) در یک جمع‌بندی مؤلفه اقتدار به‌ویژه اقتدار سیاسی به‌طور ویژه و چشم‌گیر در آموزه‌های اسلام به چشم می‌خورد و یک تشوق و ترقیب وافر و از طرفی ابلاغ اصول اقتدار نیز در آموزه‌های دینی مشخص و نمایان است. از این رو به جرائت می‌توان گفت مؤلفه اقتدار سیاسی که یکی از وجوه مهم تمدنی است در مبانی و اصول دین اسلام مستحکم بناشده و روزبه‌روز انگیزه تقویت آن در بین مسلمانان در بر اساس آموزه‌های دینی و قرآنی گسترش می‌یابد. و رهبر جامعه اسلامی نیز به‌عنوان سردمدار و سکان‌دار این اقتدار بوده که وجه اقتدار ایشان جنبه شرعی نیز دارد.

ب. اقتدار اقتصادی

حیات مطلوب ایمانی، جنبه‌های گوناگون وجود انسان را به گونه‌ی متوازن در نظر داشته و در پی تأمین خواستگاه‌های وجود مادی و معنوی انسان به صورت واقع بینانه است. بر این اساس، زندگی آخرتی انسان مومن، از دل‌زندگی دنیایی او شکل می‌گیرد. از همین رو بر اساس عزت و استقلال همه جانبه مومنان و عدم وابستگی آنان به بیگانگان، زمینه‌سازی بهره‌مندی اقتصادی را امری الهی می‌داند.

همچنین می‌فرماید: «وَلَا تَتَسَّسْ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (اعراف: ۱۰): از امور دنیایی و بهره‌های مادی غافل مباش. قرآن با یادکردی مثبت از جامعه‌هایی نام می‌برد که برخوردار از تمکن بودند و همه چیز داشتند و سرزمین آنان را پاک و پاکیزه می‌خواند: (سبأ: ۱۵)
بر این اساس، دارایی و رونق تجارت و شکوفایی اقتصادی نیز لازمه جامعه مطلوب و اسلامی است. البته در تربیت ایمانی اسلام، شکوفایی اقتصادی جامعه اسلامی دارای صبغه توحیدی است. (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳: ۷۷-۷۸) از این رو در اسلام چنان مسئله اقتصادی و

کسب درآمد حلال و داشتن نظام اقتصادی اسلامی و سالم مورد اهمیت و تأکید است که از منظر قرآن یکی از صفات بارز مؤمنین آن‌گونه است که دارای توان اقتصادی بالا بوده و اهل پرداخت زکات واجب و مستحب است. از این رو هر جا از مؤمنین یاد می‌کند که اقامه گران نماز است به دنبال آن آنان را عاملین زکات و کسانی می‌داند که اهل پرداخت صدقات واجب و مستحب می‌باشند. به عبارتی توقع اسلام از یک مومن واقعی آن است که در خود چنان توان مالی ایجاد نماید که علاوه بر استطاعت مالی در زندگی شخصی خویش، چنان حدی از استطاعت برسد که نه تنها نیازمند به دیگران نباشد بلکه می‌بایست بدین حد از سرمایه مالی و اقتصادی برسد که زکات شرعی واجب دهد و از اموالش انفاق نیز بنماید. بی‌شک وقتی اسلام برای آحاد مؤمنین چنین وضعیتی را متصور است جامعه اسلامی و حکومت اسلامی نیز می‌بایست یک حکومت دارای اقتدار اقتصادی باشد. چراکه تصویر که اسلام از جامعه تمدنی عصر ظهور ارائه می‌دهد تصویری است که در آن جامعه نه تنها هیچ فقیری پیدا نمی‌شود بلکه تمام اهل ایمان در آن عصر غنی و متمول خواهند بود.

موقعی که قائم قیام نماید زمین تمام گنج‌های خود را بیرون آورد و برکاتش را نمایان سازد. و در آن هنگام هیچ‌کسی از شما (مسلمان) به جهت فراگیری و فراوانی ثروت در بین جمیع مسلمان کسی را نخواهد یافت که محتاج به صدقه و احسان باشد.

در یک جمع‌بندی کلی آنکه؛ در اسلام مسائل اقتصادی به اندازه‌ای اهمیت دارد که تنها در قرآن بیش از ۴۵۰ آیه به این موضوع اختصاص یافته و صدها حدیث از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار در این باره رسیده است. بیشترین و پرچم‌ترین کتاب‌های فقهی ما راجع به مسائل اقتصادی است. مانند کتاب البیع، کتاب التجاره، کتاب الاجاره، کتاب الرهن، کتاب الوکاله، کتاب الهبه، کتاب الوقف، کتاب الارث، الزکاة، کتاب الخمس، الاخراج، الانفال، کتاب الجزیه و ...

پس مؤلفه مهم اقتصاد که در تمدن‌ها نقشی کلیدی دارد از جمله مهم‌ترین آموزه‌های دینی اسلام است که مورد تأکید و اهمیت قرار گرفته است.

ج. اقتدار نظامی

اقتدار نظامی یکی از مؤلفه‌های مهم و ضروری برای بقای یک حکومت می‌باشد، بی‌شک تمدن‌های بشری برآمده از حکومت‌های انسانی می‌باشند، اما تنها تمدن‌هایی توانستند در یادکرد تاریخی بشر ماندگار شوند که در کنار مؤلفه‌های مهم دیگری تمدنی



در بُعد نظامی نیز دارای اقتدار و توانمندی ویژه‌ای بوده باشند. یادکرد قرآن از حکومت‌های توحیدی چون ذوالقرنین، داود و سلیمان یادکردی اقتدارگرایانه به‌ویژه در عرصه نظامی این دولت‌ها است.

از طرفی دین مبین اسلام در این مقوله به‌ویژه با توجه به گستردگی دشمنان اسلام توجه وافری داشته و آیات پرشماری از قرآن کریم و ابواب مهمی از کتب حدیثی و فقهی در مقوله جهاد و دفاع سامان یافته که نشان از پراهمیت و دقت نظری اسلام به این قضیه است. آیات فراوان با موضوع جهاد و مقاومت در برابر دشمن نشان از توجه مهم و کارکرد ویژه این مؤلفه در پایایی یک حکومت و بالتبع یک تمدن دارد.

در بررسی منابع دینی به دست می‌آید که رویکرد اصلی اسلام در بُعد نظامی رسیدن به اوج اقتدار است و ایجاد قدرت بازدارندگی است، به عبارتی نگاه اسلام در این زمینه رسیدن به حدی از توانمندی نظامی است که دشمن تصور هجوم و تجاوز را از سر برهاند. به‌گونه‌ای که دشمن نه تنها جسارت حمله نداشته بلکه خیال تجاوز نظامی را در ذهن خود خطور ننماید. قرآن در یک دستور کلی می‌فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» (انفال: ۶۰) هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [دشمنان] آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به‌وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد.

مفسرین آمادگی دفاعی همه‌جانبه را از این قبیل آیات برداشت نموده‌اند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۴۴-۳۴۶)

د. اقتدار علمی و فناوری

علم و فناوری، در برتری و کمال تمدن جوامع جایگاهی ویژه دارد. این اقتدار، خاستگاه و عامل اقتدار اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و... خواهد بود. بر این اساس، جامعه توحیدی نمی‌تواند نسبت به این واقعیت بی‌اعتنا باشد. اقتدار علمی چنان جایگاهی دارد که در تعبیر حضرت علی علیه السلام به‌عنوان «سلطان» مطرح می‌شود، «سلطان» یعنی اقتدار؛ علم، اقتدار است؛ هرکسی که آن را داشته باشد «صال»، یعنی دست قدرتمند را خواهد داشت؛ هرکس که آن را نداشته باشد «صیلَ عَلیه»، یعنی دست قدرتمندی بر سر او خواهد آمد یعنی زیردست خواهد شد. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴؛ ج ۲۰، ص ۳۱۹)

در روایات پرشماری از معصومان علیهم‌السلام تأکید بیش اندازه به مسئله علم، اهمیت و کسب آن و ... شده است. اوج افق اسلام به این مقوله چنان است که از پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل است که می‌فرماید:

اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵

؛ ج۱، ص ۱۱)

کثرت اهمیت بخشی به مقوله علم‌گرایی در دین اسلام چنان است که مؤلفان کتب فقهی و حدیثی ناگزیر به تبویب ابواب متعدد یا کتاب خاص در باب علم و سایر شعوبات آن در همان بخش‌های نخستین تألیفات خویش شده‌اند. که همین این‌ها بیانگر لزوم به اوج رسیدن و توجه به اقتدار علمی در جامعه‌ی مسلمان می‌باشد.

بنابراین از منظر دین بی‌شک علم یک مؤلفه مهم قدرت و اسباب جامعه سازی و تمدن سازی است و مورد اهمیت است و در این مقوله هیچ تردید نیست.

اما بحث فناوری که می‌تواند یکی از مهم‌ترین خروجی‌های علم باشد نیاز به تبیین بیشتر دارد که از آن می‌توان تعبیر به رابط اندیشه اسلامی و فناوری نمود.

اسلام یک دین عقلانی و مؤید عقل است و اگر مواجهه‌ای با پدیده‌های گوناگون، به‌ویژه پدیده‌های نوظهور دارد، این مواجهه یک پشتوانه عقلانی قوی دارد. بر همین اساس، اسلام با اصل فناوری به‌عنوان ابزاری برای بهبود زندگی هیچ مشکلی ندارد بلکه آن را برای آبادانی این دنیا و ارتقای مادی و معنوی زندگی انسان و جامعه انسانی لازم می‌داند. چنانچه در قرآن کریم از پیامبرانی یاد می‌شود که با استفاده از علم اعطایی، فناوری‌ها و ابزارهای متناسب با عصر خویش را در جهت خدمت و رفاه جامعه هم عصر خویش بکار گرفتند. (انبیاء: ۸۰)

یا کسانی چون ذوالقرنین که خداوند درباره توانمندی‌های اعطایی به ایشان یاد می‌کند. (کهف: ۸۴) و از جمله توانمندی‌های او فناوری ساخت سد بود (کهف: ۹۳-۹۸) بنابراین مؤلفه مهم اقتدار علمی و به تبعیت آن اقتدار فناوری و صنعتی که حاصل علم است از جمله مقوله‌های است که شالوده اساسی و اصلی آن در دین ریخته شده و اسلام بر رسیدن به این مؤلفه مهم در جامعه تأکید دارد. و جامعه خویش را پیوسته بر بالندگی علمی سوق می‌دهد.

۴-۳. امنیت

استقرار آرامش و امنیت در جامعه و ایمنی جان، مال و آبروی مردم از هرگونه آسیب و



زیان، در زمره نخستین و مهم‌ترین بایسته‌های رشد و پیشرفت اجتماع است. از این رو قرآن حکیم، وجود امنیت، ثبات اجتماعی و نبود ترس و وحشت را از شاخص‌های جامعه مطلوب و از نعمت‌های الهی بر مردم می‌داند (قریش: ۴):

بر اساس تمثیل قرآنی در بیان یک جامعه الگو، استقرار امنیت و آرامش همگانی، نشانه آشکار برای بلوغ و کمال جامعه به شمار می‌رود و در مقابل، زوال و سلب امنیت، نشانه سراسیمگی و سقوط تمدن است. ((نحل: ۱۱۲)

دعای مستجاب حضرت ابراهیم علیه السلام نیای والای انبیاء الهی در سرزمین تفتیده‌ی مکه و پیش انداختن امنیت بر دیگر نیازها، گویای این حقیقت است که امنیت و آرامش، پیش شرط هرگونه آبادانی و پیشرفت مادی و معنوی در جامعه است. (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۶) (بقره: ۱۲۶)

بنابراین یکی از بایسته لازم برای زندگی فردی و اجتماعی و همچنین وجود رفاه و آسایش وابسته به مقوله مهم امنیت است. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: **رَفَاهِيَةُ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ**. آسایش زندگانی در امنیت است. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۷۱)

اما اساساً امنیت حقیقی با تمامی ابعاد و به نحو کمال گرایانه آن، از منظر اسلام آرمانی است دست‌یافتنی و محقق شدنی که وعده‌ی آن را خداوند به اهل ایمان در برهه‌ای از تاریخ داده است و از منظر آموزه‌های دینی این وعده بدون هیچ تردیدی برای بشریت آخرالزمان محقق خواهد شد. (نور: ۵۵)

از این‌روست که در حوزه مباحث مهدویت امنیت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است به‌گونه‌ای که در روایات فراوانی از آن به‌عنوان رکن اساسی حاکمیت حضرت برشمرده شده است. بنابراین می‌توان گفت مؤلفه مهم امنیت از منظر دین چنان اهمیت والایی دارد لازمه و اساس هر اجتماعی می‌داند از این رو بحث امنیت در آرمان تمدنی اسلامی مسئله پر توجه، ابعاد نگر، دارای دستورالعمل و همچنین با سیری رو به جلو با اهداف اوج قله‌ای مد نظر است.

۵-۳. عدالت

عدالت یکی از مؤلفه‌های بنیادی برای اجتماع بشری است، ذات بشری گرایش به‌سوی عدالت دارد، از این رو در دعوت تمامی انبیاء این مؤلفه مهم که با فطرت بشری عجین است پیوسته مطرح و تلاش بی‌وقفه در جهت تحقق و اجرای آن در جامعه، آرمان تمام انبیاء الهی در طول تاریخ است.

بدین جهت است که توجه به عدالت به‌عنوان یک ارزش والا و برقراری آن در جامعه از دستورات ویژه قرآن کریم است، قرآن عدالت را در زمره‌ی ارزش‌های والا و برقراری آن را از حکمت‌های مهم بعثت پیامبران الهی و نزول کتاب‌های آسمانی برمی‌شمارد (حدید: ۲۵) برپایی عدالت هرچند که جزو رؤوس برنامه‌ها و اقدامات انبیاء به‌عنوان یک مأموریت مهم برشمرده شده است، اما از منظر اسلام این کافی نیست بلکه می‌بایست تمام جامعه اسلامی و تک‌تک آحاد جامعه از اقامه کنندگان عدل و قسط باشند. (رک. مائده: ۸) دستور خداوند به پیامبرش عدل‌گستری و برپایی قسط در بین آحاد جامعه است و هم‌چنین ایجاد و تقویت این روحیه در جامعه است. (ابن شعبه، ۱۳۸۸ : ۱۷۶)

از طرفی دیگر کمال تحقق ظرفیت عدالت در جامعه در دوره تمدن آخرالزمان می‌باشد و لذا یکی از ویژگی‌های حکومت امام زمان علیه السلام عدالت جامع و کامل است. بنابراین عدالت‌خواهی و عدالت‌طلبی از برجستگی‌های جامعه اسلامی بوده و حاکمان و رهبر آن جامعه اسلامی نیز مکلف و موظف به تحقق این مؤلفه مهم هستند. و اساساً آرمان و اوج قله تمدن اسلامی رسیدن به کمال عدالت‌گستری در جامعه است. بنابراین می‌توان مدعی بود شاید در کمتر مکتب تا این اندازه بر روی این قول تأکید و تصریح دارند.

۶-۳. آزادی

انسان نیاز به یک سلسله آزادی‌هایی دارد که برای او و جامعه‌اش سازنده و مفید است. اگر آزادی نباشد انسان رشد نمی‌کند، استعدادهای نهفته خود را فعلیت نمی‌بخشد. یک جامعه متمدن حتماً از نعمت آزادی در حد مشروع برخوردار است. قرآن مجید یکی از فلسفه‌های بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را آزادی بشریت از محدودیت‌های نادرست اجتماعی، فرهنگی و ... بیان می‌کند. (اعراف: ۱۵۷) در تعبیر بزرگان این واضح‌ترین آیه در قرآن برای آزادی است. (مقام معظم رهبری: ۱۳۹۱/۸/۲۳) از منظر اسلام آزادی چنان پراهمیت است که هر آن چیزی که انسان را در بند می‌کند و از نعمت آزادی عملش می‌کاهد نهی شده چه آنکه آن یک خصلت نفسانی چون طمع باشد. از این جهت ائمه هر آنچه اسباب سلب آزادی فردی و اجتماعی می‌شود نهی نموده و در روایات متعدد دلیل این نهی را سرشت آزادمردی انسانی دانسته اند و فرموده‌اند: «قَدْ جَعَلَكَ اللهُ حُرّاً» (ابن شعبه، ۱۳۸۸ : ۷۷) خداوند تو را حر و آزاد آفرید نباید درگیر چیزی شوی که تو را وابسته و پا بسته می‌کند. بنابراین در فرهنگ قرآن کریم، استقلال و آزادی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نعمت‌های جوامع بشری به شمار می‌رود.

۷-۳. وحدت و همگرایی

قرآن در یک دستور کلیدی و راه گشا به مسلمانان برای همیشه فرمان می‌دهد که به عامل وحدت که همان توحید است روی آورید و از تفرقه بپرهیزید. (آل عمران: ۱۰۳) و در ادامه این فرمان، مسلمانان را از هرگونه تفرقه در جامعه بر حذر می‌دارد؛ (آل عمران: ۱۰۵) از منظر قرآن هر چیزی که باعث از دست رفتن وحدت و شوکت جامعه اسلامی و مسلمانان می‌شود باید ترک گردد از این رو در یک قاعده کلی می‌فرماید:

«وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶) نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود.

بنابراین حکم کلی و ثابت دین در بحث جامعه اسلامی وحدت و همگرایی است. باید دانست که؛ هرچند در جامعه اسلامی تنوع و تکثر سلیق سیاسی امر مذمومی نیست، وحدت توده مردم و همچنین، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی در جهت تحقق خطوط کلی و بنیادین اسلام، و نیازهای راهبردی خودشان، جزء ضروریات جامعه اسلامی و رمز موفقیت این جامعه به شمار می‌رود.

از طرف دیگر بخش عمده ای از تکالیف شرعی مسلمانان وابسته به همگرایی و وحدت و همدلی است، دستورات اخلاقی و مستحبات شرعی نیز جایگاه و اعتبار بیشتری را تنها به اعمال و تکالیفی می‌دهد که به‌طور جمعی صورت پذیرد. فرائض و نوافلی چون اقامه نماز به جماعت، نمازهای عید، نماز جمعه و... همچنین تکالیفی چون حج، جهاد و ... همه بر یک حقیقت استوار است و آن اینکه انجام این تکالیف جمعی جز با وحدت و یکدلی به ثمره مطلوب نخواهد رسید. از این رو در مبانی دینی اسلام وحدت یک اصل همیشگی و قطعی است. و یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که می‌تواند زمینه ایجاد و در ادامه بقای یک تمدن را فراهم سازد همان اصل وحدت است، که اسلام مسلمانان در بر اساس محور دین بر وحدت سوق داده است.

۴. استنطاق آینده تمدنی از قرآن (آیات نویدبخش تمدن آخرالزمان)

خداوند در قرآن کریم وعده‌هایی را به بشر داده است. یکی از نویدهای خداوند در قرآن کریم به بشریت، آینده‌ای روشن و درخشان بر روی زمین به‌ویژه برای بندگان صالح خود است که؛ تلویحاً این وعده به دوره خاصی از زمان یا به تعبیری به آخرالزمان سپرده شده است برهه‌ای از زمان که اهل ایمان - مطابق گزارش قرآن - در سرتاسر گیتی در نهایت

آرامش، امنیت، رفاه و عدالت به پرستش خدای یگانه روی آورده، آنان وارثان و صاحبان حقیقی زمین و فرمانروایان آن شده و حکومت توحیدی را برپا خواهند کرد. پس به تعبیری یکی از نویدهای خداوند در آینده نه‌چندان دور بشری، ایجاد تمدن فراگیر جهانی و کامل، بر اساس توحید و عدالت برای سعادت حقیقی بشر است؛ هرچند الفاظی چون آخرالزمان و تمدن به صراحت در آیات قرآن کریم قابل‌مشاهده نیست اما آیات متعددی بر حقیقت وجودی آن اشاره یا کنایه داشته و خداوند شکل‌گیری چنین تمدنی را به‌طور قطع به بشریت و مومنان راستین وعده می‌دهد. از این رو هر نوع تلاش برای ساخت تمدنی که بر این باورهای و اصول تکیه داشته و از آن‌ها نشأت گرفته باشد در واقع تلاش به سمت ساخت تمدن آخرالزمان بوده چراکه ساختن تمدن نوین اسلامی در واقع حرکت به سمت تمدن آخرالزمان است.

نمونه‌هایی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱-۴. آیه وراثت زمین [به بندگان صالح]

خداوند در قرآن وعده داده است همان‌گونه در کتب آسمانی قبل نیز وعده داده شده؛ به اینکه زمین در نهایت میراث بندگان صالح خداوند خواهد شد. (انبیاء: ۱۰۵) این ارث بری از آن جهت است که خداوند متعال خود صاحب حقیقی آن بوده و آن زمان که اقتضاء کند آن را به بندگان صالح خود به ارث خواهد گذاشت. (اعراف: ۱۲۸)

«انّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده» (اعراف: ۱۲۸) مسلماً زمین از آن خداست (ایجادش، حفظش و اداره ساکنانش تحت اراده اوست) به هر کس بخواهد به میراث می‌دهد.

کلمه «ارض» وقتی به صورت مطلق و بدون قرینه می‌آید، همه کره زمین را در برمی‌گیرد و مراد از «وراثت زمین» این است که سلطه بر منافع و استفاده از آن‌ها از دیگران، به بندگان صالح منتقل شده و برکات زندگی نصیب ایشان و مختص آنان خواهد شد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۶۵) در این آیه صراحتاً خداوند آینده زمین و حکومت آن را ارث بندگان خاص خود یعنی صالحان قرار داده و با نوید شکل‌گیری چنین حکومتی، زمینی خالی از سلطه هر ستمگری، را وعده خود می‌داند. و در یک کلام حکومت زمین و اختیارش از آن صالحان خواهد بود.

بنابراین برداشت عقلانی مبتنی بر فهم ظاهری از آیه یادشده دقیقاً گویای این حقیقت است که در آینده نزدیک، حکومت زمین در اختیار صالحان قرار خواهد گرفت. که خود



نویدبخش ایجاد یک تمدن اسلامی بر روی زمین خواهد بود.

نکته دیگر آنکه در روایات این بندگان صالح به شیعیان، یاران و اصحاب مهدی (عج) تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶) و به تعبیری این حکومت به طور تام و بالحقیقه در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تحقق می‌یابد.

این یک نوع نگاه و تفسیر از آیه شد که خاص است اما نگاه دیگر اینکه؛ آیه عام است و در هر زمان امکان دارد عده ای از «بنندگان صالح» خدا زمین را به «ارث» ببرند؛ هرچند محدوده‌ای معین و کوچک از زمین را در اختیار داشته باشند و با برقراری حکومت دینی، بتوانند از منافع شان بهره ببرند.

این نوع تبیین از آیه، به اینکه حکومت امام زمان (علیه السلام) مصداق کامل و تمام این آیه شریفه می‌باشد در تعارض نمی‌باشد.

پس نتیجه آنکه خداوند وعده داده است که بندگان صالح اش را وارثان حقیقی و تام‌الاختیار زمین گردند. از این رو در تمدن نوین اسلامی اساس و محور تشکیل حکومت توحیدی و حضور جامعه‌ی ایمانی و اهل ایمان است. لذا این آیه نویدبخش می‌تواند حرکت ساز و سوق‌دهنده به جهت برپایی تمدن نوین باشد و جامعه ایمانی با نصب العین قرار دادن این آیه و امید به تحقق وعده الهی، آن را از پشتوانه‌های دینی خود برای این حرکت تمدنی می‌توانند به حساب آورند. و این آیه حرکت و تلاش برای دستیابی به چنین تمدن بزرگی را به اهل ایمان نوید می‌دهد.

۲-۴. آیه استضعاف

در آیه دیگری خداوند به طور صریح با منت گذاشتن بر مستضعفان و مظلومان جهان این وعده نویدبخش را به آنان می‌دهد که قدرت و رهبری جامعه و وراثت زمین در نهایت نصیب آنان خواهد شد.

«وَرُبِّدْ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجَعَلَهُمْ أَنْفَةً وَ نَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۵) قصص) ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

در این آیه، خداوند به مستضعفین عالم منت نهاده و وعده امامت و حکومت زمین را به آنان می‌دهد. هرچند مطابق سیاق آیات قبل و بعد، مفسران، آن را مربوط به قوم بنی اسرائیل می‌دانند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۳۷۵) ولی ظاهر آیه دلالت بر قانون کلی و اراده و مشیت همیشگی خداوند نسبت به مستضعفین تا روز قیامت دارد. خداوند اراده

کرده که به‌حسب شرایط خاص، مستضعفین را بر مستکبران عالم پیروز گرداند که نمونه‌ای از آن، تحقق مشیت الهی نسبت به پیروزی بنی‌اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود. نمونه کامل‌تر آن حکومت پیامبر اسلام بعد از ظهور اسلام است و مطابق روایات اسلامی کامل‌ترین مصداق آن، حکومت امام مهدی علیه‌السلام در عصر ظهور است که خداوند حکومت او را که همان حکومت مستضعفین است، در سرتاسر گیتی گسترش خواهد داد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. یعنی با ذکر داستان حضرت موسی می‌خواهد آن را برای مومنان تعمیم دهد و بفرماید که این یک قاعده مطلق و همیشگی است. چراکه زمین و هر آنچه در آن است از آن خداست. لذا تسلط و استیلای بر آن را هر زمان خداوند متعال اراده کند و به هر آن‌کس از بندگان شایسته خود عطا خواهد کرد.

این بشارتی برای همه انسان‌های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و جور است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۶: ۱۷)

از این رو این آیه عمومیت داشته بر اینکه نویدبخش وعده حق الهی بر مظلومان و ستم دیدگان جهان است که اراده الهی بر آن است که شما وارثان و پیشوایان زمین قرار داده شوید.

این معنا را می‌توان از قرائنی به دست آورد:

۱. اراده خداوند در آیه به صیغه مضارع «نرید» آمده که دلالت بر استمرار دارد؛
 ۲. در آیه، لفظ «مستضعفین» وارد شده، که اعم از مستضعفین بنی‌اسرائیل است.
 ۳. روایاتی که از طرق شیعه و سنی در ذیل آیه وارد شده، دلالت بر عدم اختصاص آیه و عمومیت این سنت الهی دارد.
- روایات اهل‌بیت دلالت بر ساری و جاری بودن این آیه در همه دوران‌ها تا روز قیامت دارد.^۱ (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۴۹) چنانچه در تعدادی این مسئله به دوران تمدن مهدوی نیز تعمیم داده شده است. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۱۱۰) که البته می‌توان گفت طرف تحقق حقیقی و کمال گرایانه این آیه در عصر امام زمان (عج) صورت خواهد پذیرفت. که این خود نیز نشان از عمومیت آیه است.

بنابراین می‌توان گفت که با توجه به عمومیت آیه یکی از پشتوانه‌های قرآنی در بحث تمدن نوین اسلامی می‌تواند همین آیه بوده که نوید حکومت و پیشوایی صالحان را داده که قبل از آن مظلومان عالم بوده‌اند.

۱. «فَهَذِهِ آيَةُ فِينَا جَارِيَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».



بنابراین تشکیل تمدن نوین اسلامی یک نوع وعده حکومت صالحان در نقطه‌ای از زمین است در صورت تلاش و ایستادگی جامعه اسلامی در این مسیر قطعاً محقق شده و این یک وعده الهی است.

چنانچه مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«خدای متعال مقدر کرده است که پیروز بشود، جبهه‌ی حق است؛ یعنی شما ملت ایران، اگر همان جور که تا حالا حرکت کرده‌اید، حرکت را ادامه بدهید، قطعاً بر دشمنانتان پیروز خواهید شد؛ یعنی بر آمریکا پیروز [خواهید شد]: «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ آيَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.» (مقام معظم رهبری: ۱۳۹۸/۴/۱۴)

۳-۴. آیه استخلاف

در سوره نور خداوند وعده ای را به اهل ایمان می‌دهد و می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)

خداوند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان‌که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان‌اند.

توجه به مفاد آیه، نشان‌دهنده خبر از آینده اسلام و جامعه اسلامی است. چراکه مفاهیم آیه نویدبخش حکومت و استخلاف اهل ایمان بر روی زمین، تشکیل حکومت توحیدی و استقرار امنیت حقیقی و مطلق در سرتاسر گیتی بوده و در آن برهه اسلام تنها دین موردپسند مردم خواهد شد.

در این آیه خداوند به صراحت به اهل ایمان وعده می‌دهد، که آینده امن همراه با قدرت و حکومت، بدون هیچ‌گونه ترس و خوفی از هر چیزی به عبادت خدا در زمین خواهند پرداخت. تأکیدات موجود در آیه هم چون «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ»، «لِيُمَكِّنَنَّ» و «لِيُبَدِّلَنَّهُمْ» همه نشان از حتمیت تحقق این واقعه می‌دهد. تأمل در محتوای آیات نشان‌گر این حقیقت است که رسیدن به این غایت نهایی و مطلوب نیازمند طی یک فرایند طولانی

و زمان‌بر خواهد بود. چراکه استخلاف اهل ایمان هرچند در دوره‌های قبل به‌طور محدود شکل‌گرفته است و آیه نیز بدان تصریح دارد، اما مکتب یافتن حقیقی دین به‌گونه‌ای که رضایت اجتماعی را به دنبال داشته و امنیت مطلق و پایدار (که شامل: نظامی، اجتماعی، روانی و ...) حاکم شود و همچنین گستره عبودیت خالق در پرتو دین اسلام در سرتاسر گیتی به‌گونه‌ای که یکتا دین موردپذیرش مردم قرار گیرد، قطعاً الزاماتی می‌خواهد که آنی و یک‌باره پدید نخواهد شد. از این رو مطابق محتوای آیات هنوز این وعده به‌طور کامل محقق نشده و البته جامعه اسلامی می‌تواند به‌سوی آن گام برداشته و حرکت نماید و زمینه‌های دستیابی بدان را هموار سازد.

از طرفی مطابق روایات این وعده تنها در برهه آخرالزمان و در زمان ظهور آخرین وصی خاتم‌الانبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله محقق خواهد شد. هم‌چنان‌که دلایل عقلی نیز ما را بدین حقیقت رهنمون می‌سازند که رسیدن به چنین آرمان عظیمی، جز در سایه رهبری شایسته و وارسته و تا زمانی که عقول بشری به تکامل حقیقی نرسد و همه اسباب فراهم نگردد، محقق نخواهد شد. و البته این بدان معنا نخواهد بود که مومنان نمی‌توانند تا قبل از آخرالزمان نمونه‌های هرچند اندک، محدود و ناقص از این الگو را بر روی کره خاکی تجربه نمایند.

در این میان اما از این نکته نباید غافل شد که، هرچند مصادیق مختلفی برای این آیه گفته‌شده و درست است که مصداق کامل آن در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) محقق خواهد شد (قرآنتی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۲۰۶) اما همه این‌ها مانع از عمومیت و گستردگی مفهوم آیه نخواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۴: ۵۲۸) از این رو می‌توان تا قبل از تشکیل تمدن مهدوی نیز چنانچه جامعه‌ای دارای شرایطی از این آیه اگرچه به صورت محدود بود آن را تطبیق داد.

بنابراین وجه ارتباط این آیه با تمدن نوین اسلامی آن‌که:

این آیه نویدبخش آینده درخشانی است که در تمدن نوین اسلامی به‌عنوان آرمان دست‌یافتنی بشر بر آن تأکید شده که تمدنی بی‌همتا مبتنی بر آموزه‌های اسلام ایجاد گردد. از این رو شاخصه‌های چون استقرار حاکمیت توحید محور و دینی، آزادی و عدالت-که خود می‌تواند منجر به امنیت روانی و اجتماعی نیز گردد-، گرایش مردم به دین اسلام و الگو نهادن آن‌همه از مباحث مهم تمدن نوین اسلامی است که این آیه نویدبخش آن است.



رهبر معظم انقلاب اسلامی و نظریه‌پرداز اصلی تمدن نوین اسلامی این آیه را مرتبط با تحقق تمدن نوین اسلامی می‌دانند و در این زمینه می‌فرماید:

من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» نشانه‌ی این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوزه‌ی نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. (مقام معظم رهبری؛ پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۰۹/۱۷)

و لذا بر این اساس این آیه می‌تواند به‌عنوان مبنایی دینی برای تشکیل تمدن نوین اسلامی قرار گیرد.

۴-۴. آیه استیلای دین اسلام بر تمامی ادیان

خداوند در چند جای قرآن کریم هدف نهایی از ارسال پیامبر خدا ﷺ را غلبه اسلام بر تمامی ادیان معرفی می‌نماید.

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹) اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند.

ظاهر آیه گویای این حقیقت است که هدف نهایی رسالت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و آله و سلم چیره شدن اسلام به‌عنوان دین حق بر تمام ادیان جهان است، گرچه مشرکان در برابر تحقق این هدف ایستادگی خواهند کرد. پیداست این هدف تاکنون تحقق‌نیافته و اسلام تنها در بخشی از جهان گسترده شده است منتها از منظر روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام زمان تحقق این هدف، ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف اعلام‌شده است. (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲: ۴۱۴) غلبه اسلام بر دیگر ادیان، هم از نظر منطق و استدلال است و هم از نظر غلبه عینی و عملی؛ یعنی، روزی فرامی‌رسد که اسلام با پشتوانه عظیم معرفتی و آموزه‌هایی که دارد، بر همه ادیان غالب می‌شود و نفوذ ظاهری و حکومت دین مقدس اسلام بر جهان سایه می‌افکند و همه را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

جمع‌بندی این آیه آنکه؛

الف) در این آیه از هدف غایی ارسال رسول خدا ﷺ و دین او سخن به میان آمده که و آن فراگیری و جهان‌شمولی و ابطال غیر از خود است.

ب) این آیه با این هدف غایی هنوز در ظرف زمانی کنونی تحقق نیافته است و می‌طلبد زمانی را که در عصری نه خیلی دور تحقق پیدا کند.

ج) مطابق باورهای اسلامی زمان تحقق آن وعده، آخرالزمان و ظهور منجی بشری است؛

د) نتیجه آنکه در این آیه و آیات مشابه آن وعده تحقق آخرالزمان به بشر داده شده است، آخرالزمانی که اسلام در آن دین فائق و غالب است.

ه) این آیه نویدبخش شکل‌گیری تمدن فراگیر و جهان‌شمول اسلام است. از این رو لزوم برنامه‌ریزی و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی در جهت رسیدن به این هدف غایی را به مسلمانان وعده می‌دهد.

و) جامعه اسلامی و مسلمانان می‌بایست با نصب العین قرار دادن چنین وعده حتمی در قرآن در جهت تحقق آن و حرکت به سمت آن‌که، لازمه‌اش شکل‌گیری تمدن اسلامی است اقدام نمایند.

۵-۴. آیه مکتب یافتن اهل ایمان بر روی زمین

از برخی آیات قرآن کریم می‌توان فهمید که اراده الهی بر قدرت یافتن اهل ایمان بر روی زمین است تا آن‌ها حکومت توحیدی را برپا داشته و قوانین سیاسی و اجتماعی آن را در جامعه پیدا سازند. از جمله این آیات؛ آیه ذیل است که می‌فرماید:

«الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَخَامُوا الضَّلَاةَ وَ اتَّوَّأ الرِّكَآةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱) (آن مؤمنانی که خدا بدیشان وعده یاری و پیروزی داده است) کسانی هستند که هرگاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند، و امر به معروف، و نهی از منکر می‌نمایند، و سرانجام همه کارها به خدا برمی‌گردد.

در این آیه خداوند از گروهی از مومنان یاد می‌کند که اگر به اراده الهی بر روی زمین مکتب یافته و قدرت را به دست گیرند. این گروه شعائر الهی در جامعه اقامه خواهند کرد و یک جامعه اسلامی و یک حکومت توحیدی را بنا می‌سازند. در بیان مفسران این مکتب یافتن به معنی قدرت یافتن و اختیار کامل در قلمرو سرزمینی خود است به‌گونه‌ای که اختیارات اجتماعی و حکومتی داشته باشند و این مسئله می‌تواند در هر برهه‌ای از



زمان و در هر عرصه از سرزمین جهان هستی تا روز قیامت صدق کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ، ج ۱۴: ۵۴۶-۵۴۷)

در این جامعه اسلامی حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ...» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۵۲) به طور کلی از این آیه می‌تواند استنباط نمود که:

نخست آنکه؛ اراده الهی بر تائید اهل ایمان برای ایجاد یک حکومت دینی است.

دوم: مؤمنین می‌بایست پیوسته در جهت تحقق چنین حکومتی تلاش نمایند.

سوم: تشکیل تمدن نوین اسلامی نمونه‌ای از تلاش‌ها برای استقرار حکومت توحیدی و اجرای شعائر الهی است و می‌تواند خود یکی از مهم‌ترین مصادیق این مکتب باشد که اراده الهی مطابق آیه قبل که می‌فرماید: «و لَيُنْزِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْزِرُهُ» (حج: ۴۰) بر چنین کسانی است تا بر روی زمین تشکیل قدرت داده و شعائر الهی را اجرا کنند. در یک جمع‌بندی کلی از این آیات می‌توان گفت این آیات کاملاً امیدوارکننده‌ای را برای مومنان بیان می‌دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش با توجه چهارچوب مفهومی بیان‌شده در توجه به دلالت‌های قرآن در ایجاد تمدن آن است که؛ در توجه به وضعیت پیشینی و گذشته، دلالت‌های قرآنی داده‌های وضعیت پشتوانه‌ای را به تمدن پژوهان دینی می‌دهد به عبارتی در استنتاج داده‌ها قرآن کریم در وضعیت تمدنی امت‌های پیشین، یک پشتوانه‌ای قوی از شکل‌گیری تمدن‌های توحیدی توسط بزرگ مردانی با رنگ بوی توحید و عالم وحی ارائه می‌دهد که به‌عنوان نظریه پشتیبان در تقویت تائید و ضرورت شکل‌گیری تمدن توحیدی است و شکل‌گیری تمدن‌های کوچک توحیدی در دروان گذشته امکان شکل‌گیری مجدد آن را تقویت می‌نماید و در حالی که چنین تمدن‌هایی تائید الهی را دارد.

در وضعیت حال و کنونی دلالت‌های قرآن، داده‌هایی با تشویق به حالت ارتقا بخشی به وضعیت تمدنی را به جامعه‌ای انسانی به ارمغان می‌دهد. یعنی پیوسته جامعه توحیدی را در ارتقاء و تقویت وضعیت اجتماع در رسیدن به مؤلفه‌های مهم تمدن ساز تشویق می‌نماید.

در وضعیت پسینی و آینده‌نگرانه دلالت‌های قرآن کریم چشم انداز و افق یک تمدن بی‌نظیر را برای جامعه اسلامی ترسیم می‌نمایاند. به عبارتی آینده‌نگاری قرآن کریم برای جامعه اسلامی چشم انداز شکل‌گیری تمدنی بی‌نظیر توحیدی در سرتاسر کره خاکی است. از این رو در سه گزاره زمانی گذشته، حال و آینده داده‌های قرآن بر مطلوبیت شکل‌گیری آینده تمدنی دلالت دارد و این مبانی نظری از قرآن قابل استنتاج است. پس ظرفیت تحقق تمدن بر اساس مبانی دینی نیز کاملاً محرز بوده و مبانی فکری و حتی عملی تحقق تمدن نوین اسلامی به‌راحتی از درون آموزه‌های دینی قابل‌احصا است.

قرآن کریم	
گزاره زمانی	داده نظری
گذشته	پشتوانه‌ای تمدن توحیدی
حال	ارتقاء به وضعیت تمدن توحیدی
آینده	افق تمدنی بی‌نظیر توحیدی

کتاب‌نامه

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴)، *شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید)*، ۲۰ ج، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، *الخصال*، ۲ ج، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۸۸)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله*، قم: نوید اسلام.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۳۷۴)، *البرهان في تفسير القرآن*، ۵ ج، قم: مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.
- جهان بین، فرزاد، (۱۳۹۸)، *درس گفتار تمدن نوین اسلامی*، تهران: آفتاب توسعه.
- حقی، اسماعیل بن مصطفی، (بی‌تا)، *تفسیر روح البیان*، ۱۰ ج، بیروت: دارالفکر.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵)، *تفسیر نور الثقلین*، ۵ ج، قم: اسماعیلیان.
- درخشه، جلال و علی آدمی ابرقویی، (۱۳۹۰)، *آفاق تمدنی انقلاب اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- سعیدی‌روشن، محمدباقر، (۱۳۹۳)، *شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم*، *آموزه‌های قرآنی*، جلد ۱۹، ش ۵، ۱۳۹۳، ص ۸۲-۶۱.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ الف)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ۲۰ ج، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ---، (۱۳۷۴ ب)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ۲۰ ج، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ الف)، *مجمع البیان في تفسير القرآن*، ۱۰ ج، تهران: ناصر خسرو.
- ---، (۱۳۷۲ ب)، *مجمع البیان في تفسير القرآن*، ۱۰ ج، تهران: ناصر خسرو.
- فاکر میبیدی محمد، (۱۳۹۳)، *مؤلفه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم*، مجموعه مقالات بین المللی (هشتمین همایش) جلد اول، ۱۳۹۳.
- فامیل روحانی سید علی اکبر، (۱۳۹۴)، *قرآن زیرساخت تمدن اسلامی*، دو فصلنامه اندیشه تمدنی اسلام، ش اول پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵)، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین (طبع قدیم)*، ۱ ج، قم: الشریف الرضی.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ الف)، *تفسیر نور*، ۱۰ ج، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ الف)، *الکافی (دار الحدیث)*، ۱۵ ج، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- ---، (۱۴۲۹ ب)، *الکافی (دار الحدیث)*، ۱۵ ج، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، ۱ ج، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- محسن الویری، (۱۳۹۴)، *کلارکرد تمدنی قرآن: یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی*، نقد و نظر، جلد ۱۳۹۴، ش ۸۰، ۱۳۹۴، ص ۷۶-۵۵.
- مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۴)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، بیروت: دارالمفید.



- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰ الف)، *تفسیر نمونه*، ۲۸ ج، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ---، (۱۳۸۰ ب)، *تفسیر نمونه*، ۲۸ ج، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۸۶)، *تفسیر راهنما روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن*، ۲۱ ج، قم: بوستان کتاب قم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی